

تحول معنویت‌گرایی دینی در جهان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

محمد ملک‌زاده*

چکیده

بروز بحران‌های ناشی از خلأ معنویت در عصر صنعتی‌شدن، زمینه‌ساز گرایش مجدد بشر به معنویت را پدیدار ساخت. در این شرایط، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که ماهیت حقیقی آن انقلاب آشکارا علیه نواقص علم سکولار و پاسخ به بحران‌های ناشی از سبک زندگی فاقد معنویت در مدرنیته و پرسش‌های بنیادین معنوی انسان متجدد بود، پازل گمشده این دوره به شمار می‌آمد که می‌توانست عطش معنوی بشر سرگشته و گرفتار در جنگال‌های گرایش‌های صرفاً مادی‌گرایانه تمدن جدید را سیراب نماید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بررسی وضعیت گذشته، حال و آینده جوامع بشری در مناطق مختلف جهان در دو مقطع قبل و بعد

* استادیار گروه سیاست پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

malekzadeh130@gmail.com

از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حاکی از رشد روزافزون گرایش بشر به سمت معنویت دینی در جهان در وضعیت کنونی و نیز ادامه این روند رو به رشد در آینده می‌باشد. این وضعیت همچنین دلیل روشنی بر الهام‌پذیری گرایش‌های روزافزون دین‌پژوهی بشر امروزی از انقلاب اسلامی ایران و نشان از نفوذ نرم‌افزاری جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل می‌باشد. این فرضیه در پژوهش حاضر در خلال بررسی اسناد و آمارها و نیز ماهیت و عملکرد انقلاب اسلامی و تأثیرات مستقیم آن در مناطق مختلف جهان با بهره‌گیری از روش اسنادی-تحلیلی به آزمون نهاده شده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، دین‌پژوهی، مدرنیته، معنویت‌گرایی دینی.

یکم. مقدمه

هزاران سال است که بشر به اهمیت معنویت در زندگی پی برده است. اقوام و قباایل و فرهنگ‌های مختلف در طول سالیان گذشته هر کدام با شیوه‌های خاص به خود جایگاه معنویت را در زندگی پاس داشته و سعی می‌کردند از آن در مسیر تقویت روحیه، درمان بیماری‌ها، رهایی از رنج و درد روحی و ارتباط با جهان ماورای مادی بهره گیرند. در عصر صنعتی شدن به دلیل افزایش گرایش انسان مدرن به مظاهر مادی تمدن جدید، در مقطعی توجه به اهمیت معنویت به حاشیه رانده شد؛ اما دیری نپایید که خلأ معنویت به‌ویژه در کشورهای صنعتی و اقمار نظام سرمایه‌داری احساس و پیامدهای نقصان معنویت با بروز بحران‌های مختلف اجتماعی آشکار گردید. در این مقطع گرایش مجددی از سوی این



جوامع به معنویت پدیدار گردید که از جمله دلایل مهم آن را می‌توان آشکار شدن نقایص علم سکولار، بن‌بست فلسفه‌های پس از رنسانس در پاسخ به پرسش‌های بنیادین و مشکلات مادی و معنوی انسان و بحران‌های فردی و اجتماعی ناشی از سبک زندگی فاقد معنویت در مدرنیته برشمرد. در همین حال سرخوردگی از قرائت‌های بسته و خشک از دین مسیح از یک سو و احساس خلأ شدید معنویت در مدرنیته از سوی دیگر، بسیاری را به جست‌وجوی معنویت غیر دینی همچون عرفان‌های کاذب و معنویت‌های دروغین دیگر سوق داد؛ اما رقم‌خوردن اتفاقاتی در این عصر سبب گردید زمینه‌گرایش مجدد به معنویت دینی در جهان فراهم گردد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل‌گرایش بشر به معنویت دینی در قرن اخیر، پدیده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در ایران و گسترش رو به رشد این گفتمان در مناطق مختلف جهان بوده است. این ادعا با بررسی ماهیت انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن در مناطق مختلف همراه با شواهد آماری فراوان قابل اثبات می‌باشد.

دوم. چارچوب نظری

اجمالاً در یک تقسیم‌بندی کلی از واژه معنویت می‌توان آن را در دو مفهوم عام و خاص مطالعه کرد. مراد از معنویت خاص معنویت دینی و مراد از معنویت عام، اعم از دینی و غیر دینی است. گرچه ممکن است در سال‌های اخیر معنویت‌گرایی به مفهوم عام رونق گرفته باشد، بررسی دلایل



گسترش گرایش به معنویت غیر دینی موضوع تحقیق حاضر نیست؛ بلکه مراد نگارنده، معنویت به معنای خاص بوده و در آن تنها به بررسی نقش گفتمان انقلاب اسلامی در گسترش معنویت دینی پرداخته است.

در این پژوهش با هدف بررسی نقش گفتمان انقلاب اسلامی در گسترش معنویت‌گرایی، این فرضیه را به آزمون خواهیم گذاشت که انقلاب اسلامی، نقش مؤثری در گسترش دین‌پژوهی در جهان داشته است. روش این تحقیق اسنادی-تحلیلی است که ضمن بررسی ماهیت انقلاب اسلامی و استناد به دلایل و شواهد کافی نقش گفتمان انقلاب اسلامی در گسترش معنویت دینی در جهان را مورد مطالعه قرار خواهد داد.

سوم. مفهوم معنویت و رابطه آن با دین

معنویت در لغت به هر آنچه شامل یا مربوط به معنا و روح باشد، گفته می‌شود و در مقابل آن، ظاهری و مادی است (دهخدا، ۱۳۷۷). در اصطلاح نیز برخی معنویت را به معنای ارزش‌های اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۷۷)، دین (مطهری، ج ۲۳، [بی‌تا]، ص ۶۷۹)، حقیقت اسلام (همان، ج ۱۸، ص ۳۱)، غیب و ملکوت (همان، ج ۲۳، ص ۶۷۱)، سیر و سلوک (همان، ج ۲۴، ص ۵۷)، حالات عرفانی (همان، ج ۲۱، ص ۱۶۰) و اصطلاحات دیگر تعریف نموده‌اند. معنویت در سنت اسلامی تبیین‌کننده گوهر و باطن دین اسلام است که همزمان با نزول آغازین آیات قرآن کریم بر قلب پیامبر اسلام ﷺ به وجود آمد. برخی با تفکیک معنویت

به دو بخش دینی و غیر دینی، زندگی معنوی را لزوماً نه به معنای تعلق به یکی از ادیان نهادینه و تاریخی بلکه به معنای داشتن نگرشی به عالم و آدم دانسته‌اند که به انسان آرامش، شادی و امید بدهد (ملکیان، ۱۳۷۱، ص ۳۷۶). طبق این نظر می‌توان معنویت را با دین متفاوت دانست؛^۱ چنان‌که می‌توان از معنویت سکولار نام برد که جنبه‌هایی از زندگی و تجربه انسانی را که با دیدگاه‌های ماتریالیستی و مکانیکی صرف به دست نیامده، نشان می‌دهد. در این فرض، آدمی می‌تواند معنوی باشد و به خدا هم معتقد نباشد (اسپلیکا و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۴). برخی در تعریف معنویت غیر دینی می‌نویسند:

معنویت در لغت لاتین (Spirituality) به معنای تنفس است و به تنفس زندگی اشاره دارد؛ به این معنا که با معنویت قلب خود را بگشاییم و ظرفیت تجربه عظمت، تقدس و سپاسگزاری را در خود پرورش دهیم، اندوه زندگی را حس کنیم، شور و شوق وجود را بشناسیم و خود را تسلیم حقیقتی کنیم که والاتر از ماست (N. Elkins, ۱۹۹۹).

بر خلاف معنویت غیر دینی، معنویت دینی دارای چارچوب و ضوابط خاصی است و بر اساس عمل به مجموعه‌ای از معارف و رهنمودهای ماورای مادی حاصل می‌شود. در معنویت دینی، عقل انسان در شناخت

۱ طبق یک نظرسنجی اکنون حدود یک‌چهارم مردم آمریکا خود را افرادی معنوی ولی غیر دینی (spiritual but not religious) می‌دانند (ر.ک:

<http://www.ammariyon.ir/fa/news/۳۸۵۲۸>)



ابعاد وجودی و درک نیازهای واقعی او محدود است؛ بنابراین معلومات عقلی به تنهایی قادر به برآوردن نیازهای واقعی و فطری انسان نمی‌باشند؛ بلکه در کنار عقل باید به راهنمایی تکیه کرد که حیطة درک و احاطه او فراتر از عقل باشد و آن تنها وحی است که از طریق رسولان امین برای راهنمایی بشر به جامعه انسانی رسیده است. معنویت دینی بر خلاف معنویت فارغ از دین، یک امر صرفاً ذهنی و خیالی که از احساسات سرشار انسانی نسبت به واقعیات مادی حاصل شده باشد، نیست؛ بلکه احساسی است که انسان با اتکا به تکالیف و رهنمودهای دینی و در چارچوب ضوابطی خاص نسبت به حقایقی که واقعاً وجود دارند و عالم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پیدا می‌کند؛ در حالی که در معنویت غیر دینی به هیچ وجه بحث «حقیقت» و «تکلیف و حیانی» در میان نیست و انسان می‌تواند بدون ضابطه خاصی سراغ هر گونه تجربه‌ای برود. امروزه معنویت مدرن غربی در راستای دنیاپرستی تعریف می‌شود. معنویت غیر دینی می‌تواند با هر گونه تجربه عاطفی یا هیجانی نسبت به هر موضوعی خواه یک قطعه موسیقی، آهنگ غمناک، یک شعر عاشقانه، احساس حاصل از یک نمایش، استعمال مواد مخدر (استیس، ۱۳۸۴، ص ۱۹) یا حتی پناهمردن به اقداماتی چون ترک دنیا، عزلت‌گزینی و انزواطلبی حاصل شود و فرد را به اصطلاح در فضایی معنوی و ماورای مادی پرواز دهد.

چهارم. جایگاه معنویت دینی در جهان پیش از انقلاب اسلامی

پیش از تجربه انقلاب اسلامی و برجسته‌تر شدن نقش دین در تحولات اجتماعی و سیاسی، تصور جوامع به‌ویژه در غرب بر آن بود که به کمک علم و بدون هر گونه استمدادی از دین و وحی می‌توان همه مشکلات اجتماعی و انسانی را حل نمود. در این دوره بسیاری از اندیشمندان و جامعه‌شناسان جهان در مصاف علم و دین به طرح نظریه‌هایی پرداختند که نتیجه همه آنها به‌حاشیهراندن دین به نفع علم و سیر نزولی تأثیر دین در حوزه اجتماع بود. در دنیای غرب به‌ویژه پس از رنسانس و گسترش شک فلسفی و روش عقلی دکارت، تجربه‌گرایی فرانسویس بیکن و برخی تحولات دیگر مانند انقلاب کبیر فرانسه، سیر «جایگزینی انسان به جای خدا در رأس هرم هستی» کاملاً مشهود بود. لاپلاس با صراحت از بی‌نیازی انسان و جهان هستی به خداوند و تصحیح خودبه‌خودی حرکت منظومه شمسی سخن گفت (گلشنی، ۱۳۷۹، ص ۴)؛ پریستلی با انکار روح و متافیزیک بر عدم تأثیر خداوند بر ذهن انسان تأکید کرد. هیوم، دیدرو، هولباخ و فروید منشأ اعتقاد و اعمال دینی را نه در استدلال عقلی یا نظم طبیعی، بلکه ناشی از ترس و جهل بشر توصیف نمودند (فروید، ۱۳۵۷، ص ۳۳۲). فروید در نگرشی دیگر با تشبیه اعتقادات دینی به امیال جنسی در انسان، خاستگاه دین و علایق دینی را نیز در همان امیال سرکوب‌شده و عقده‌های متراکم جست‌وجو می‌کرد (توکلی، ۱۳۷۸، ص ۳۳). با ظهور هیوم در انگلیس و کانت در آلمان، دین و متافیزیک بیش از پیش تضعیف شد و تا جایی پیش





رفت که نیچه از «مرگ خدا» سخن گفت (نیچه، ۱۳۸۴، فصل ۱، بخش ۲۲ و ۱۳۸۵، ص ۱۹۳-۱۹۲). نیچه در این دوره حتی ظهور نیهیلیسم فعال و اعتقاد به بی‌ارزشی محض را برای دویست سال آینده بشر پیشگویی می‌کند (شایگان، ۱۳۷۲، ص ۲۱-۲۳). این روند نه فقط در دنیای غرب، بلکه به سرعت در کل جهان گسترش یافت؛ چنان‌که در دنیای شرق که عمدتاً قلمرو حاکمیت سوسیالیسم و کمونیسم بود نیز با ظهور افرادی چون مگس، فوئرباخ و مارکس، دین در افراطی‌ترین وجه از اساس انکار می‌شد. یا از منظر افرادی چون شلایرماخر در حد یک احساس فردی و شخصی تقلیل می‌یافت (پترسون و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴۱).

این وضعیت کلی جایگاه معنویت دینی در جوامع غیر اسلامی بود. جوامع اسلامی از جمله جامعه ایران نیز از یک مشکل اساسی که ریشه در یک انحراف تاریخی - از زمان صدر اسلام تا زمان انقلاب اسلامی - داشت رنج می‌برد. این مشکل اساسی ناشی از تبدیل جریان امامت به خلافت در قضیه سقیفه و سپس تبدیل جریان خلافت به سلطنت از دوره بنی‌امیه تا انقلاب اسلامی است. این معضل در طول چهارده قرن از تاریخ اسلام سبب گردید اسلام حقیقی و ناب هیچ‌گاه فرصت تحقق و ظهور نداشته باشد. پادشاه در ساختار نظام فاسد سلطنتی جوامع اسلامی، خود را به عنوان سایه خدا در زمین معرفی و بدین ترتیب حکومت استبدادی پادشاهی را مشروعیت می‌بخشید. حتی در جامعه شیعی ایران باور عمومی ایرانیان بر این بود که نظام شاهنشاهی تنها مدل پذیرفته‌شده نظام سیاسی است و از

«شاه» با عنوان «سایه خدا در زمین» نام برده می‌شد. *عین السلطنه* در خاطرات خود از قرن سیزدهم خورشیدی می‌نویسد:

مردم شاه را سایه خدا می‌دانستند... [معتقد بودند] شاه دهان باز کند، عالم زیر و زبر می‌شود؛ غضب کند، آسمان به زمین دوخته می‌شود؛ فرمان او را فرمان رسول، گفته او را گفته رسول، سرپیچی از امر او را سرپیچی از امر خدا و عدم اطاعت او را عدم اطاعت پیامبر خدا می‌دانستند. عجزه‌های مملکت ما عقیده‌شان این بود که سالی یک مرتبه ممکن باشد و شاه را زیارت نکنند، نماز و روزه و طاعت آنها قبول درگاه خداوندی نیست. مردم این مملکت برای شاه نماز، روزه، حج و تمام طاعات و فرائض را واجب نمی‌دانستند. برای شاه خوردن روزه، نمودن نماز را حلال می‌دانستند. مردم اگر گمان بدی به شاه می‌بردند، مثل آنکه خلاف مذهب نموده، فوراً استغفار می‌فرستادند. توی کوچه شاه را هر کس می‌دید؛ قربان و صدقه می‌رفت؛ به سر و سینه‌شان از شدت شمع می‌زدند؛ ماشاالله می‌گفتند؛ صلوات می‌فرستادند؛ می‌گفتند نور محمدی از جبهه او پیداست... (سالور، ج ۶، ۱۳۷۸، ص ۴۴۸۶).

این دیدگاه از زمان جنبش تنباکو و نهضت مشروطه - که به رهبری علما و حمایت مردم علیه شاه اعتراضات گسترده‌ای صورت گرفت - تا حدودی کاهش یافت؛ اما همچنان به عنوان یک تلقی عمومی در بدنه جامعه عوامزده ایران جایگاه خود را حفظ کرده بود. نتیجه چنین فرایندی سبب گردید جامعه‌شناسانی چون *هگل*، *فون گرونباوم*، *ارنست رنان* و دیگران



اسلام را فاقد پتانسیل تغییر و تحول در جوامع بشری و مخالف پیشرفت علم و تمدن معرفی کنند (ترنر، ۱۳۸۱، صص ۹۳، ۱۲۷ و ۲۲۹). در این وضعیت حتی اندیشمندان و روشنفکران اسلامی نیز روحیه خود را در برابر غرب باخته بودند؛ به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای اسلامی، روشنفکران مسلمان برای دفاع از دین اسلام و اینکه از کاروان توسعه و ترقی و تمدن غرب عقب نمانند، به تطبیق آموزه‌های اسلام با محصولات و گزاره‌های غرب پرداختند.

پنجم. جایگاه معنویت دینی در جهان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

تردیدی نیست که انقلاب ایران به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های دینی و اخلاقی- انسانی، یک انقلاب فرهنگی با ماهیت اصیل دینی بوده است. در واقع مهم‌ترین وجه تمایز انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های دوران معاصر، غلبه یافتن بُعد دینی- فرهنگی بر ابعاد دیگر آن می‌باشد. این انقلاب از نگاه جهانیان یک انقلاب فرهنگی بزرگ بوده است که با احیای هویت دینی در جهان و اعطای خودباوری به ملت‌ها در راستای استقلال فکری و فرهنگی، پرچم یک انقلاب دینی- فرهنگی را در جهان برافراشت. پدیده‌ای که به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای باعث جذابیت و الگوشدن انقلاب اسلامی در جهان بر خلاف میل قدرتمندان عالم به‌ویژه آمریکا گردیده است. چهار دهه مطالعه و بررسی بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان، شواهد فراوانی از تأثیرات گفتمان انقلاب اسلامی در

گرایش به معنویت دینی را در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد. در این بخش با استناد به رواج‌یافتن برخی آرمان‌ها و اصول گفت‌وگو انقلاب اسلامی در گستره جهانی، این شواهد را بررسی می‌کنیم:

۱- رشد گرایش به دین و یکتاپرستی

تحت تأثیر انقلاب اسلامی، جامعه ایران شاهد حرکتی الهی و خداجویانه بود که رهبر فقید انقلاب اسلامی آن را یک معجزه الهی واضح خواند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۲۹). در این حرکت، مردم ایران ضمن تعمیق باورهای دینی خود و با اتکال به نیروی لایزال الهی پایه‌های حکومت ظالمانه طاغوت را درهم شکستند و نظام مبتنی بر احکام شرع مقدس اسلام را پایه‌ریزی نمودند. پس از جامعه ایران، از مهم‌ترین آثار و پیامدهای انقلاب اسلامی در روابط بین‌الملل اتفاق افتاد که احیای نقش دین، گرایش به معنویت و تضعیف و تزلزل در گفت‌وگو سکولاریسم بود. بر اساس نظریه سکولار که تا پیش از انقلاب اسلامی به عنوان نظریه غالب بر اکثر مناطق جهان حاکم بود، دین به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در اداره امور بین‌الملل و تدوین و اجرای سیاست خارجی نقشی نداشت. نظریه‌های توسعه غربی غالباً مبتنی بر الگوی توسعه و نوسازی مادی بودند. در این نظریه‌ها مدرنیته و توسعه اجتماعی به صورت اجتناب‌ناپذیر با سکولاریسم همراه بود (وایت و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۶)؛ اما انقلاب اسلامی با آوردن دین به متن جامعه و عرصه روابط بین‌الملل، الگوی





توسعه غربی مبتنی بر دنیاگرایی افراطی را زیر سؤال برد. میشل فوکو با اشاره به تأثیر انقلاب اسلامی بر تحول معنویت‌گرایی سیاسی در جهان تأکید می‌کند که این پدیده در حالی روی داد که قرن‌هاست عنصر معنویت در غرب به فراموشی سپرده شده بود (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۲).

نقش انقلاب اسلامی در حضور مؤثر دین و گرایش روزافزون به معنویت در عرصه سیاسی و اجتماعی جهان، نظریه‌های مارکسیستی را نیز دچار تزلزل ساخت؛ زیرا بنیان نظریه‌های مارکسیستی بر ضدیت با دین بنا شده است و از این نظر می‌توان نقش انقلاب اسلامی در فروپاشی بلوک شرق کمونیست را نیز مورد توجه قرار داد (ملکوتیان، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

بنابراین در وضعیتی که جهان مطابق تئوری‌های موجود، انتظار به‌حاشیه‌راندن دین را داشت، به یکباره تحولی شگرف به وجود آمد و احساس نیاز به دین و معنویت در جهان رو به گسترش نهاد؛ به طوری که در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی طبق نظرسنجی‌های ملی آمریکا، از هر ده شهروند آمریکایی، نه نفر به خدا معتقد گشته و دین را در زندگی خود امری مهم می‌شمرند. در این مقطع انتشار و فروش میلیون‌ها کتاب و آثار با درونمایه‌های معنوی در مقایسه با سایر موضوعات، بیشترین رشد را نشان می‌دهد. برنامه‌های تلویزیونی مثل «جست‌جوی خدا در آمریکا»، مخاطبان فراوانی پیدا کرده است. روزنامه‌ها و مجلاتی مثل تایم، نیوزویک، و نیویورک تایمز برنامه‌هایی درباره «ایمان و شفایافتن»،

«علم، خدا و انسان» و «انتخاب دین» منتشر کرده‌اند (N. Elkins, ۱۹۹۹).

۲- رواج نمادهای انقلابی و دینی مکتب تشیع

یکی از نشانه‌های تأثیرگذاری گفتمان انقلاب اسلامی در جهان را می‌توان مقبولیت شعارها و آرمان‌های دینی و انقلابی این گفتمان در سطح بین‌الملل دانست. تأکید بر استقلال و آزادی، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با تبعیض، از شعارهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران است که نزد آزادی‌خواهان و عدالت‌طلبان جهان مقبولیت فراوانی یافته است. پس از انقلاب اسلامی استفاده از آموزه‌ها و نمادهای سمبلیک مذهب تشیع از سوی بسیاری از جریان‌های مبارز اسلامی گسترش یافت که نشان از همسویی و الهام‌پذیری آنان از نهضت انقلاب اسلامی ایران دارد. ماگنوس رانستروپ با اشاره به جایگاه این نمادها در میان جنبش حزب‌الله لبنان می‌نویسد: «حزب‌الله... به رویدادهای سمبلیک شیعه خصوصاً مراسم عاشورا متوسل می‌شد و بر اساس آن، شور انقلابی برای مبارزه با استبداد، محرومیت و بی‌عدالتی اجتماعی را تحریک می‌کرد...» (اسداللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۸).

۳- جهانی شدن مبارزه با صهیونیسم به عنوان نماد اسلام‌ستیزی

به دنبال پیروزی نهضت اسلامی در ایران، بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی، حمایت از مظلومان و ستمدیدگان و جنبش‌های آزادی‌خواهانه به‌ویژه در سرزمین‌های اشغالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با اعلام همبستگی با مردم مظلوم و مسلمان فلسطین و برائت



از اشغالگران و متجاوزان به سرزمین اسلامی، به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی به عنوان بزرگترین دشمن اسلام و مسلمانان را جهانی کرد. اهمیت مسئله فلسطین به حدی بود که /مأم خمینیؑ تنها شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس اعلام نمود. این امر که نشان از عمق توجه ایران اسلامی به مسئله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت، به سرعت مورد استقبال مسلمانان جهان قرار گرفت و تأثیر بسزایی در ارتقای بیداری و آگاهی مسلمانان نسبت به وضعیت فلسطین داشت؛ مظلومیت‌های مردم مبارز و بی‌پناه فلسطین را برملا ساخت و از آنان در برابر جنایات رژیم صهیونیستی حمایت جهانی به عمل آورد. جمهوری اسلامی با این اقدام آگاهانه، مبارزات ضدصهیونیستی را از حصارهای تنگ قومی، عربی و سرزمینی خارج ساخت و جنبه‌ای اسلامی و ایدئولوژیک به آن بخشید. مبارزات مردم فلسطین در این وضعیت ابعاد گسترده‌تری یافت و آنان با روحیه‌ای قوی‌تر توانستند با پشتوانه معنوی جهان اسلام، مبارزات خود را علیه رژیم اشغالگر صهیونیست تداوم بخشند. در واقع انقلاب اسلامی در این راه توانست با تأکید بر نمادهایی چون جهاد و شهادت، ایثار و فداکاری در راه هدف و تسلیم‌نشدن در برابر ظلم به عنوان اصول اساسی و آرمان‌های اصیل انقلابی، نقش خود را در گسترش بعد مبارزاتی جهان اسلام با رژیم صهیونیستی به منصفه ظهور رساند. برگزاری با شکوه روز جهانی قدس

در کشورهای مختلف، اقدامی در راستای اعلام همبستگی عمومی با مردم مظلوم فلسطین و جهانی شدن برائت از اشغالگران صهیونیسم می‌باشد؛ همچنین برگزاری انبوه تظاهرات ضدجنگ و راهپیمایی‌ها علیه جنایات اسرائیل از سوی مردم ساکن در کشورهای مختلف غربی نشان از نفرت فزاینده جهانی علیه رژیم صهیونیستی است؛ تا جایی که برخی دولت‌های غربی نظیر فرانسه، بلژیک، اسپانیا، پرتغال و سوئد گاهی ناگزیر شده‌اند از برخی قطعنامه‌های شورای امنیت بر ضد اسرائیل حمایت کنند.

۴- توجه بیشتر به عامل دین و معنویت در نظریه‌های روابط بین‌الملل

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت فراملی این پدیده، از وقایع سیاسی و بین‌المللی مهم به شمار می‌رود. این رویداد مهم به دلیل ارائه ارزش‌ها، هنجارها و نظم سیاسی و اجتماعی نوین، از یک سو زمینه احیای هویت جهان اسلام را در پی داشت و از سوی دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر بنیادهای نظری موجود در روابط بین‌الملل و ظهور نظریه‌های معنی‌گرا به عهده داشت. نظریه‌پردازان انقلاب به این واقعیت پی بردند که وجود عوامل حرکت‌آفرین مکتب تشیع در انقلاب اسلامی، آن را حتی در میان انقلاب‌های مدرن جهان نیز ممتاز و منحصر به فرد ساخته است؛ به تعبیر یکی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی‌های اروپایی نبود و بدون حمایت قدرت‌های بزرگ به حیات سیاسی خویش ادامه داده است. جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای



مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می‌شد. مردم در روند انقلاب احساس همبستگی بیشتری در مقایسه با سایر انقلاب‌ها از خود نمایان ساختند. حزب حاکم یا پیشتازی که به هدایت یا رهبری توده‌ها بپردازد، وجود نداشت و در نتیجه برای اولین بار در تاریخ انقلاب مدرن، رهبری انقلاب توانست به اقتدار و حاکمیت کامل و همه‌جانبه‌ای دست یابد (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

گری‌سیک با متفاوت‌خواندن انقلاب اسلامی ایران نسبت به انقلاب‌های سایر کشورها معتقد است: «انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب سایر کشورها، بسیار ارجح است و مسیری خلاف آنچه تاریخ از انقلاب انتظار دارد، حرکت کرده است. انقلاب‌ها به مرحله‌ای می‌رسند که توسط ایدئولوژی خود نابود می‌شوند و خود را از درون می‌خورند... در حالی که در عصر انقلاب ایران چنین اتفاقی نیفتاد» (روزنامه کیهان، ۱۳۷۷/۹/۳۰، ص ۱۲). منحصر به فرد بودن و امتیاز ماهوی انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با انقلاب‌های دیگر جهان باعث گردید شرایط جدیدی در نظریه‌پردازی‌های مربوط به انقلاب به وجود آمده، متغیرهای نوینی در این عرصه نمودار گردد. در این رابطه بسیاری از نظریه‌هایی که بر پایه تجارب صرفاً مادی‌گرای انقلاب‌های پیشین قرار داشت، قابلیت خود را از دست داد و در چارچوب حوزه سیاسی اجتماعی جوامع در معرض رد و تردید یا ترمیم و بازنگری قرار گرفت؛ برای نمونه نقص نظریات مارکسیستی که بر اساس رهیافت صرفاً اقتصادی بنا شده‌اند، برای تحلیل

انقلاب اسلامی آشکار است (استانفورد، ۱۳۷۲، ص ۴۵)؛ همچنین بر خلاف دیدگاه مارکس که دین و مذهب را عامل تخریب ملت‌ها می‌دانست، مذهب در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقشی مثبت و زیربنایی داشته است. این نقص، افرادی چون پولانزاس و التوسر را وادار کرد به گونه‌ای نظریه مارکسیستی را در خصوص انقلاب‌های اجتماعی بازسازی کنند (پولانزاس، ۱۳۶۰ / بشیریه، ۱۳۷۶). نمونه دیگر ناتوانی نظریه‌های ساختارگرایانه در تحلیل انقلاب اسلامی بود؛ زیرا این نظریه‌ها بیشتر بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی، بین‌المللی و دولت تأکید نموده و در آنها به عواملی چون رهبری، ایدئولوژی، احزاب و سازمان‌های سیاسی، فرهنگ، روشنفکران و کارگزاران تاریخی کمتر توجه شده است. اسکاچیل به عنوان یک نظریه‌پرداز ساختارگرا، پس از انقلاب اسلامی دریافت که در ایران به رغم وجود ارتش قدرتمند و حامیان بین‌المللی رژیم حاکم، انقلاب به وقوع پیوست و ساختار دولت فروپاشید؛ همچنین بر خلاف دیدگاه ساختارگرایانه‌ای که دهقانان را رهبران انقلاب می‌داند، در انقلاب ایران، دهقانان دارای نقش تعیین‌کننده نبودند. به طور کلی می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران به اشکال مختلف همه نظریه‌های مهم مربوط به انقلاب را به چالش کشاند و نشان داد هیچ یک از آنها نمی‌توانند به‌تنهایی کنش انقلابی ملت ایران را تبیین کنند؛ از این رو پدیده انقلاب اسلامی با تحول در دیدگاه نظریه‌پردازان انقلاب که تا پیش از این علل انقلاب را عمدتاً در مسائل اقتصادی و اجتماعی جست‌وجو کرده، به عامل دین و ارزش‌های معنوی و



اخلاقی بی‌توجه بودند، عوامل فرهنگی و مذهبی را نیز برجسته ساخت.

۵- بازسازی تمدن اسلامی و احیای هویت جهان اسلام

پدیده بیداری اسلامی محصول بازسازی تمدن اسلامی و احیای هویت جهان اسلام و تحت تأثیر انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی با دگرگون‌ساختن نگرش تقلیلی به دین، هویت جامعه ایران و سپس جهان اسلام را احیا و بازسازی نمود. برای بررسی دلایل این امر می‌توان بر موارد ذیل تأکید بیشتری نمود:

نخست آنکه انقلاب اسلامی نشان داد می‌توان از عنصر قدرتمند دین و آموزه‌های مذهبی برای ایجاد تحول در ساختار قدرت و نظام سیاسی بهره گرفت. کمتر تحلیل‌گری را می‌توان یافت که از نقش دین اسلام به عنوان عامل اصلی هویت‌بخش به انقلاب اسلامی سخن نگفته باشد. اعتراف به عامل هویت‌بخشی دین در انقلاب اسلامی حتی از سوی بسیاری از عوامل دستگاه پهلوی نیز انجام شده است. □□□□□□□□□□ در کتاب سقوط شاه درباره عامل هویت‌بخش انقلاب و پدیدآورنده آن می‌نویسد: «مردم سر به زیر ایران، قدرت رام‌شدنی خود را از ایمان و اعتقاد مذهبی عمیق کسب کرده‌اند؛ قدرتی که آنها را به تلاطم انداخته است» (هویدا، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸). دین گرچه در ذهن و دل مسلمانان داخل و خارج ایران تا پیش از انقلاب اسلامی جاری و حاضر بود، در ظاهر و به دلیل تلقی رایج پیش‌گفته در میان عموم مسلمانان، از قابلیت هویت‌بخشی به زندگی سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی برخوردار نبود. انقلاب اسلامی با بهر مگرفتن از نمادهای مبارزاتی تشیع، رویکرد منفعلانه عمومی را دگرگون و هویت جامعه مسلمین را احیا نمود. حمید عنایت می‌گوید/امام خمینی علیه السلام مفاهیمی مانند تقیه و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و شهادت را به صورت متفاوتی با فقهای قبل تفسیر کرد و با توجه به ربط وثیقی که بین این چهار مقوله برقرار می‌نمود، هنگامی که شهادت/امام حسین علیه السلام و عبارت کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا را در نظر می‌گرفت، تفسیری از قیام/امام حسین علیه السلام به دست می‌داد که می‌توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند. در واقع/امام خمینی علیه السلام بیش از هر متاله دیگر شیعه که دارای منزلت قابل قیاس با وی باشد، خاطره کربلا را با احساس حادی از ضرورت سیاسی به کار گرفته است (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۲۷۱).

مینو صمیمی (منشی دفتر فرح پهلوی) نیز درباره نقش عنصر شهادت در نهضت اسلامی ایران می‌نویسد: «کسانی که در قم به دست مأموران رژیم کشته شدند، از سوی مردم لقب شهید اسلام گرفتند و این، به قیام همگانی علیه شاهنشاهی منجر شد» (صمیمی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۰).

دوم آنکه انقلاب اسلامی رویکرد منفعلانه مسلمانان نسبت به وضعیت حال و آینده جامعه اسلامی را نیز دگرگون ساخت. اگر تا پیش از وقوع انقلاب تلقی عمومی برای مشکلات اجتماعی و سیاسی تنها در صبر و تحمل و انتظار کشیدن برای فرج منجی خلاصه می‌شد، نهضت اسلامی



ایران نشان داد که راه حل صحیح در «فراهم‌ساختن مقدمات لازم برای ظهور» توسط خود مسلمانان است.

سوم آنکه کارکرد دین در پیروزی نهضت و تأسیس نظام جمهوری اسلامی و سپس تداوم موفقیت‌آمیز آن به رغم تمام مخالفت‌ها و عدم همراهی جهانی با نظام تأسیس‌شده اسلامی، مهر تأیید دیگری بر احیای این هویت دینی است که با بازشناسی جایگاه خود و ایمان به هدف، مسیر خود را تداوم بخشیده است. انقلاب اسلامی از رهگذر احیای ارزش‌های الهی و انسانی و تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، موجبات شکوفایی و بالندگی تمدن اسلامی را فراهم آورد. این انقلاب با ترویج فرهنگ و تفکر استقلال‌محور در جهان اسلام نه تنها توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال‌اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد، بلکه تمدن اسلامی را به عنوان یک اسلوب قدرتمند در برابر مدعیان جهان‌شمولی تمدن غربی مطرح نمود. *رایت تحلیل‌گر* و روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی با اشاره به تجدید حیات اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فروپاشی کمونیسم را نشانه دیگری بر موفقیت الگوی نظام اسلامی در پیروزی بر مخالفان دانسته، می‌نویسد: «سیزده سال پس از آنکه اولین حکومت مذهبی مدرن جهان با انقلاب ایران پایه‌گذاری شد، اسلام بار دیگر به عنوان یک اسلوب سیاسی قدرتمند مطرح شده است... موج جدید تجدید حیات اسلام چنان فراگیر است که با مرگ کمونیسم، اسلام یکی از رقیبان ایدئولوژیک آینده غرب تلقی می‌شود» (رایت، ۱۳۷۲، ص ۱۳).



رابرت اسنایدر نیز با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی در مبارزه با نظم هژمونیک لیبرال به رهبری آمریکا، این انقلاب را عامل احیای اسلام سیاسی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی می‌داند که نظم و نظام بین‌الملل لیبرال-سکولار موجود را به چالش طلبیده‌اند (Snyder, ۱۹۹۹). در واقع هنر انقلاب اسلامی ایران در احیای هویت جهان اسلام و بازسازی تمدن اسلامی این بود که ضمن تلفیق مظاهر مدرنیته با سنت‌های دینی، قدرت دین را به جهانیان نشان داد و ثابت نمود که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی و بنیان توسعه مدرن قلمداد گردد.

۶- به‌چالش کشیده شدن فرهنگ مادی‌گرایی سکولار

گفتمان دینی انقلاب اسلامی ایران با ایجاد تحول در افکار و اذهان، هنجارهای بین‌المللی را دگرگون ساخت و قواعد حاکم بر نظام‌ها و مکاتب فرهنگی رایج در جهان را با تفکرات رهایی‌بخش خود زیر سؤال برد. نهضت اسلامی ایران با راهبرد نه شرقی-نه غربی، در اوج قدرت سران شرق و غرب به‌ویژه نظام سرمایه‌داری سکولار به پیروزی رسید و با ارائه الگویی نوین از تلفیق دین با سیاست و نفی سکولاریسم، هنجارهای سلطه‌جویانه بین‌المللی را برهم زد و هژمونی فرهنگی غرب را به چالش کشید. نیکی کدی با اشاره به سلطه فرهنگی غرب که بر جامعه ایران پیش از انقلاب تحمیل شده بود، به نقش انقلاب در تغییر این الگو پرداخته، می‌نویسد: «حرکت انقلابی ملت ایران با هدف تغییر الگوی فکری و



فرهنگی غربی‌ای - که بر فضای عمومی جامعه تحمیل شده بود- صورت گرفت تا نظامی مطابق با خاستگاه فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی پی‌ریزی شود» (kedie, ۱۹۸۰, p.۲۷).

از نگاه جامعه‌شناسان، تأثیر انقلاب اسلامی در تغییر این الگو و مبارزه با سلطه فرهنگی غرب هرگز به داخل ایران محدود نماند؛ چنان‌که آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی با اشاره به جایگاه حاشیه‌ای دین - در قبل و بعد از انقلاب اسلامی- در روابط بین‌الملل و نقش گفتمان انقلاب اسلامی در تغییر این وضعیت می‌نویسد: «در گذشته سه گول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و وبر، با کم و بیش اختلافاتی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه‌رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز [کرد] و به سمت دینی‌شدن پیش می‌رود» (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۷۵).

۷- افزایش رفتارهای معنوی و تعلقات مذهبی در جهان

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی جهان شاهد تقویت گفتمان معنویت‌گرایی دینی، افزایش اقبال عمومی نسبت به انجام فرایض دینی، رفتارهای اسلامی و توسعه نمادهای مذهبی است؛ به طوری که هم‌اکنون مسلمانان با افتخار و تظاهر به دین اسلام در مناطق مختلف جهان، بر حفظ ظواهر مذهبی و پایبندی به شعائر دینی اصرار می‌ورزند؛

شرکت در گروه‌ها و اجتماعات مذهبی در مقایسه با گذشته افزایش یافته است؛ در کشورهای غربی با وجود وضع قوانین محدودیت‌ساز، گرایش زنان به حجاب و تعداد مساجد، مراکز و نمادهای مذهبی در مقایسه با گذشته افزایش قابل توجهی یافته است؛ استقبال از کتب دینی، مطالعه آثار مذهبی، رشد مطبوعات اسلامی، افزایش مؤسسات خیریه، افزایش استفاده از نام‌های اسلامی، استقبال روزافزون از عرضه «غذای حلال» و به طور کلی افزایش حساسیت‌های اسلامی در سراسر جهان نشانه‌های آشکاری از یک بیداری اسلامی تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در جهان می‌باشد (ر.ک: برزگر و خانی‌ارانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴-۱۹۹/ کاظمی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸). در این راستا همچنین می‌توان برخی تحرکات مردمی مانند خروش گسترده مسلمانان جهان در حمایت از حکم ارتداد/امام خمینی* علیه سلمان رشدی و به طور کلی رشد اعتراضات عمومی در کشورهای مختلف در برابر انتشار کاریکاتورها یا فیلم‌های ضداسلامی را شاهدهی بر افزایش حساسیت‌های دینی و معنوی تحت تأثیر انقلاب اسلامی در جهان دانست. رشد حساسیت‌های دینی و معنوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جهان، علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان آسمانی را نیز دربرگرفت؛ برای مثال در آمریکا شواهد حاکی از افزایش قابل توجه به‌راه‌افتادن موج دین‌خواهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است؛ به طوری که دکتر جان ول -استاد تاریخ اسلام در دانشگاه جورج واشنگتن- می‌گوید: (سال‌ها) پیش، زمانی که جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا



اظهار دینداری کرد، آمریکایی‌ها شگفت‌زده شدند؛ چراکه در آن زمان در جامعه آمریکا بی‌دینی و لائیسزم افتخار و مباحات داشت، لذا کنندی سعی داشت در مبارزه انتخاباتی خود منکر دینداری خویش گردد؛ اما در حال حاضر وضعیت آمریکا به گونه‌ای است که به گفته ویفر -استاد دانشگاه جورج ملون- رئیس‌جمهور آمریکا همواره باید سخنرانی خود را با عبارت «خدایا ایالات متحده را سعادت‌مند گردان» به پایان برد و اگر در جلسه‌ای آن را فراموش کند، مورد انتقاد شدید آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد که وی به دین احترام نگذاشته است (بیگی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸).

رابین رایت با توجه به افزایش انرژی مذهبی در وضعیت کنونی جهان می‌نویسد: مذهب در حال حاضر به نیروی پرنرژی و پویا برای دگرگونی در سراسر جهان تبدیل شده است و در میان جوامع پرجنب‌وجوشی که تلاش دارند هم از شر نظام‌های ورشکسته و غیرکارآمد خلاص شوند و هم سیستم جایگزین باثباتی پیدا کنند، مذهب نقش مهمی در تحقق آرمان‌ها، هویت، مشروعیت و زیرساخت‌ها دارد. در کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی، آمریکایی و شبه‌قاره هند مردم برای تحقق اهداف خود و بسیج نیروهایشان به مذهب روی آورده‌اند (رایت، ۱۳۷۲، ص ۳۱).

۸- رشد مراکز فرهنگی و دینی در جهان

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، مراکز و مؤسسات اسلامی در مناطق مختلف جهان رشد قابل توجهی داشته‌اند؛ برای نمونه در انگلستان که تا قبل



از پیروزی انقلاب تعداد معدودی مراکز اسلامی به فعالیت مشغول بودند، پس از انقلاب، مراکز مطالعاتی و حوزه‌های علمیه دینی فراوانی به وجود آمده یا گسترش یافته‌اند؛^۱ در فرانسه که تا قبل از پیروزی انقلاب حدود ۲۰ مؤسسه اسلامی به ثبت رسیده بود، در حال حاضر ۳۰۰۰ مؤسسه محلی مسلمانان، حوزه‌های علمیه و اتحادیه سازمان‌های اسلامی به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی مشغول می‌باشند.^۲ در این راستا همچنین می‌توان به مراکز متعدد فرهنگی و مذهبی در کشورهای آلمان، ایتالیا، اتریش، اسپانیا، سوئیس، پرتغال، دانمارک، فنلاند، هلند، بلژیک، سوئد و کشورهای دیگر اشاره کرد (برزگر، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷-۱۳۹).

۹- رشد گرایش به اسلام و تقویت مکتب تشیع در جهان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رشد محسوسی در گرایش به اسلام و تشیع در جهان مشاهده می‌گردد. سرشماری‌های متعدد در آمریکا نشان

۱. از جمله مراکز متعدد این کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مرکز اسلامی و پارلمان اسلامی انگلیس، مرکز مطالعات اسلامی در آکسفورد، بنیاد اسلامی در مارکفیلد، مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت در دانشکده‌های اوکس در بیرمنگام، کالج مسلمانان، مؤسسه امام علی علیه السلام، دانشگاه مجازی اهل بیت علیهم السلام، باشگاه جوانان مسلمان انگلیس، حوزه‌های علمیه لندن و بیرمنگام و مؤسسه آل‌البیت لندن که به‌تنهایی دارای ۴۰۰ شعبه در مناطق مختلف جهان اعم از مدرسه، آموزشگاه و مراکز اسلامی مجزا می‌باشد (ر.ک: www.hawzah.net).

۲. برای مثال انجمن ندای اسلام در فرانسه بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های ضد سلمان رشدی را سامان داده است (برزگر، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸).



می‌دهند سالانه صد هزار نفر در این کشور به اسلام می‌گروند (توحیدی، ۱۳۸۴). بر اساس آمارهای موجود، هم‌اکنون دین اسلام با بیش از ۱۶ میلیون مسلمان به عنوان دومین دین اروپای غربی اعلام گردیده است (بشاری، ۱۳۸۵، ص ۷۷). پیتر فور در این رابطه می‌نویسد: گرایش جوامع غربی به دین اسلام و گسترش هویت‌جویی و رفتار مذهبی بین جوانان مسلمان این کشورها موضوعی غیر قابل انکار است که به رغم تلاش رسانه‌ها و کوشش دولتمردان در پنهان‌نگهداشتن این موج اسلام‌خواهی، شاهدیم که این جریان توجه عموم جامعه را به خود جلب نموده است و هر روز شاهد گرایش بیش از پیش این جوامع به‌ویژه زنان به اسلام هستیم (فور، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

در حال حاضر فرانسه بیشترین میزان مسلمان در اروپای غربی (۶ تا ۱۰ میلیون) را داراست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون شمار مسلمانان میلان بیست برابر افزایش یافته است (www.islamineurope.com). شیعیان نیز به همین نسبت رشد قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند که آمارهای موجود در این زمینه نتایج قابل توجهی را ارائه می‌دهند (ر.ک: جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۶۵۹-۶۷۷). بر اساس آمارهای موجود هم‌اکنون گرایش نخبگان اروپا و آمریکا به تشیع افزایش چشمگیری یافته است. در آفریقا هم گرایش شگفت‌انگیزی به تشیع دیده می‌شود و با همه فعالیت‌های گسترده دشمنان تشیع در آفریقا، در شهریور ۱۳۹۱ تنها در نیجریه ۲۰۰ هزار نفر شیعه شدند. □/نیر عضو شورای

روابط خارجی آمریکا با اشاره به افزایش قدرت تشیع تحت تأثیر انقلاب اسلامی، در تحلیلی از وضعیت کنونی عراق و سایر کشورهای اسلامی می‌نویسد:

بزرگترین تحول در عراق آن بود که اکثریت شیعه این کشور... هم‌اکنون بیشتر پست‌های مهم را در اختیار دارند. شهر مقدس نجف، هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگری، پایتخت مذهبی جامعه شیعیان جهان است. زائران بسیاری از دور و نزدیک برای زیارت مقابر مقدس نجف و کربلا به این شهرها می‌آیند و پیوندها و روابط آنان با حکومت شیعه ایران از هر زمان دیگری بیشتر و قوی‌تر شده است. تغییرات مشابهی نیز در سطحی گسترده‌تر، از لبنان تا آسیای میانه در حال شکل‌گیری است. حاکمیت بر اسلام شیعی، دیگر حق انحصاری ایران و فارس‌ها نیست. قدرت شیعه از ایران و عراق به عربستان سعودی، کشورهای حوزه خلیج فارس و پاکستان و به علت حضور حزب‌الله، به لبنان گسترش یافته و شکلی فراملی به خود گرفته است... ایران اکنون... به سردمدار احیای تشیع تبدیل شده است (Nasr, ۲۰۰۵).

۱۰- افزایش جذابیت‌های اسلام برای زنان غربی

یکی از آمارهای قابل ملاحظه در زمینه رشد گرایش به معنویت دینی در جهان، مربوط به گرایش قابل توجه زنان غربی به اسلام می‌باشد. این پدیده در اوج تبلیغات رسانه‌های غربی مبنی بر آزادی زن در غرب و



اقدامات ضد تبلیغی آنان علیه جایگاه زنان در اسلام، بی‌تردید نشان از موفقیت انقلاب اسلامی در تصحیح تصویر زن مسلمان و ارائه جایگاه مناسب برای او در جامعه می‌باشد که مورد توجه غیر مسلمانان به‌ویژه زنان غیر مسلمان واقع شده است. گرایش روزافزون زنان غربی به اسلام که از نزدیک جایگاه واقعی زن در نظام سرمایه‌داری غرب را لمس نموده‌اند، از یک سو نشان از سرخوردگی آنان از الگوی غربی و از سوی دیگر جذابیت دین اسلام برای ایشان است که در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رشدی قابل توجه به سوی دین اسلام متمایل گردیده‌اند.
(<http://tabnak.ir/pages/cid=۲۵۰۶۵>)

ششم. چشم‌انداز آینده

با توجه به روند رو به رشد گسترش معنویت‌گرایی دینی در جهان در وضعیت کنونی، اندیشمندان جهان استمرار این روند و حتی افزایش سرعت حرکت دینداری جهان به‌ویژه بر مبنای دین اسلام را پیش‌بینی نموده‌اند. مرکز تحقیقات «پیو» آمریکا در جدیدترین مطالعات خود، دین مبین اسلام را محبوب‌ترین دین رسمی در دنیا معرفی کرد و از گسترش روزافزون این دین آسمانی تا سال ۲۰۶۰ میلادی خبر داد (<http://iqna.ir/fa/news/۳۶۴۹۶۲۰>). بر اساس گزارش «پیو» هم‌اکنون دین اسلام در جایگاه دومی جهان پس از مسیحیت قرار دارد؛ اما تا سال ۲۰۵۰ دو دین اسلام و مسیحیت از نظر تعداد به مرز برابری خواهند رسید و پس



از آن، این اسلام است که دین اول جهان از منظر تعداد پیروان در مناطق مختلف جهان خواهد شد (همان)؛ در حالی که همچنان که گذشت، اکثر اندیشمندان قرن نوزدهم، آینده جهان را بدون دین ارزیابی می‌کردند. اغلب آنها با تعمیم‌گرایی وضعیت موجود آن زمان اروپا را به کل جهان تعمیم داده و جهان سکولار و عاری از دین را نوید می‌دادند. حداقل پیش‌بینی آنها این بود که دین، در صورت بقا تأثیری در حیات اجتماعی ملت‌ها نخواهد داشت؛ اما جهان در نیمه دوم قرن بیستم، شاهد احیای دین در عرصه‌های اجتماعی شد. اسکات توماس می‌گوید:

بازگشت جهانی اندیشه‌های دینی و جنبش‌های اجتماعی، یکی از غیرمنتظره‌ترین رویدادهایی است که در پایان قرن بیستم به وقوع پیوسته است. آنچه باعث می‌شود این خیزش مذهبی، بُعدی جهانی یابد، آن است که این پدیده، در برهه خاصی از زمان (تقریباً از اواخر دهه ۷۰)، در میان فرهنگ‌های گوناگون و درون نظام‌هایی با سطوح متفاوتی از توسعه اقتصادی شکل گرفته است. غیرمنتظره بودن چنین تحولی از آن روست که این پدیده آرا و اندیشه‌های پذیرفته‌شده درباره توسعه سیاسی، نوسازی و سکولاریسم را با چالش جدی روبه‌رو کرده است (هینس، ۱۳۸۱، ص ۶۳). موج گسترده پذیرش اسلام در مناطق مختلف جهان به گونه‌ای است که دشمنان اسلام به‌ویژه دولتمردان غربی را نسبت به آینده نگران کرده است و آنها در تلاش‌اند به بهانه مبارزه با تروریسم، این رشد اسلام‌خواهی را کنترل کنند. کارل الیس یکی از محققان برجسته امور ادیان در آمریکا



می‌گوید: «اگر درصد رشد جمعیت مسلمانان در آمریکا در حد فعلی باقی بماند تا هفده سال دیگر در چندین شهر آمریکا جمعیت مسلمانان بیشتر از مسیحیان خواهد شد» (توحیدی، ۱۳۸۴). به گفته وی اینکه آمریکا روزی به کشوری مسلمان تبدیل شود هم دور از انتظار نیست (همان). این وضعیت در کشورهای اروپایی و دیگر مناطق جهان نیز به شدت رو به افزایش است. بر اساس آمارهای موجود، رشد مسلمانان در بلژیک در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده است. در جمهوری چک، سوئیس و در کشورهای دیگر اروپایی و آمریکایی نیز اشتیاق به آشنایی با اسلام و تعالیم آن به‌ویژه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر رو به افزایش گذاشته و از گسترش روزافزون اسلام در آینده این کشورها خیر می‌دهد. هم اکنون اسلام در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان، انگلستان و فرانسه به عنوان دین دوم پس از مسیحیت محسوب می‌شود؛ در حالی که محققان، آینده این کشورها را به طور معکوس پیش‌بینی می‌کنند. روزنامه آلمانی فرانکفورتر آلمگامینه در یکی از گزارش‌های خود نوشته است که در سال ۲۰۴۰ اشتوتگارت شهری با اکثریت مسلمان و در پایان همین قرن، آلمان یک کشور مسلمان‌نشین در اروپا خواهد شد (همان). در مجموع تمام شواهد نشان می‌دهند اسلام به طور رسمی پذیرشی عام از سوی همگان پیدا کرده است و با همه موانع و مشکلاتی که جهان غرب در مقابل گسترش اسلام ایجاد کرده است، دین اسلام با سرعت فوق‌العاده در این مناطق در حال توسعه و گسترش است و این وضعیت آینده روشنی را برای جهانی‌شدن

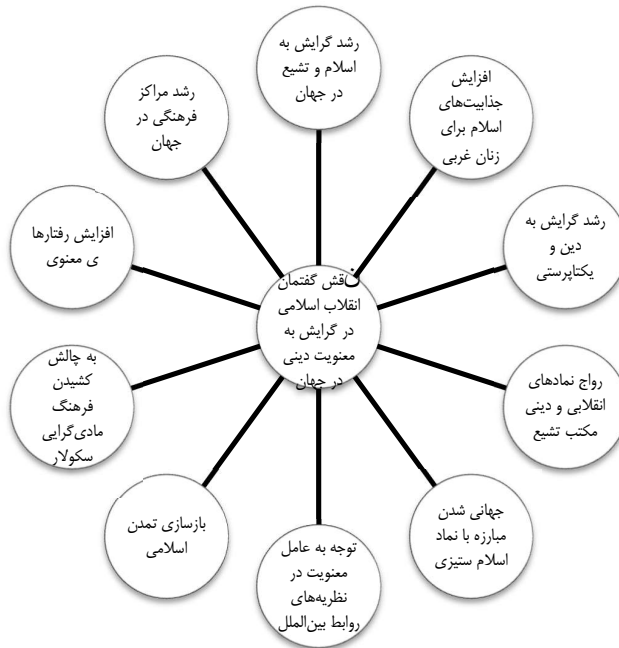
کامل این دین رقم خواهد زد.

نتیجه‌گیری

با آشکار شدن خلأ معنویت در دوران مدرنیته و بروز بحران‌های ناشی از این نقیصه، نیاز بشر به این پدیده غیر مادی به‌ویژه در کشورهای صنعتی بیش از پیش احساس و زمینه‌گرایش به اشکال معنویت فراهم گردید. از جمله مهم‌ترین گرایش‌های معنوی در این دوره، گرایش به معنویت دینی بود که با اتکا به منابع و حیانی نقش مطمئن‌تری در تأمین نیازهای غیر جسمانی بشر برعهده داشته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، گفتمان انقلاب اسلامی نقش مؤثری در گسترش این معنویت در مناطق مختلف جهان داشته و چشم‌انداز روشنی برای آینده ترسیم نموده است. در تحقیق حاضر این گزاره را در خلال بررسی ماهیت دینی انقلاب اسلامی و شواهد عینی گرایش به معنویت دینی در مناطق مختلف جهان به آزمون نهادیم. بر اساس دلایل و استنادات این پژوهش می‌توان بر نقش مستقیم گفتمان انقلاب اسلامی در گسترش معنویت دینی در کشورهای مختلف جهان تأکید نمود. در نهایت می‌توان یافته‌های پژوهش حاضر را دلیل روشنی بر الهام‌پذیری گرایش‌های روزافزون دین‌پژوهی بشر امروزی از انقلاب اسلامی ایران و نشان از نفوذ نرم‌افزاری جمهوری اسلامی در نظام بین‌الملل به‌ویژه در میان ملل آزاده و ستمدیده‌ای دانست که موج جدید معنویت‌گرایی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مناطق مختلف جهان

به راه انداخته‌اند.

نمودار ضمیمه: نقش گفتمان انقلاب اسلامی در گرایش جهانی به معنویت دینی



منابع

۱. احتشامی، انوشیروان؛ سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی؛ ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۲. اسپیلکا، برنارد و دیگران؛ روان‌شناسی دین: بر اساس رویکرد تجربی؛ ترجمه محمد دهقان؛ تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۰.
۳. استانفورد، الوین؛ تئوری‌های انقلاب؛ ترجمه علیرضا طیب؛ چ ۳، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲.
۴. اسداللهی، مسعود؛ جنبش حزب‌الله لبنان: گذشته و حال؛ تهران؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. برزگر، ابراهیم و الهه خانی ارانی؛ «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر اروپای غربی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ س ۸، ش ۲۶، پاییز ۱۳۹۰.
۶. بشاری، محمد؛ «اقلیت‌های اسلامی در غرب، چالش‌ها و چشم‌اندازها: نمونه اروپا»، مجله اندیشه تقریب؛ س ۳، ش ۱۳، ۱۳۸۵.
۷. بشیریه، حسین؛ تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
۸. بیگی، مهدی؛ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)؛



- با مقدمه محمدباقر خرمشاد؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم علیه السلام، ۱۳۸۸.
۹. پترسون، مایکل و دیگران؛ عقل و اعتقاد دینی؛ ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی؛ چ ۲، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷.
۱۰. پولانزاس، نیکولا؛ فاشیسم و دیکتاتوری؛ ترجمه دکتر احسان، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.
۱۱. ترنر، برایان؛ شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن؛ ترجمه غلامرضا کیانی؛ تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک و مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدنها، ۱۳۸۱.
۱۲. ترنس استیس، والتر؛ فلسفه و عرفان؛ ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی؛ تهران: سروش، ۱۳۸۴.
۱۳. توحیدی، صلاح‌الدین؛ از آهنگ پاپ تا آهنگ ناب؛ کردستان: انتشارات پرتو بیان، ۱۳۸۴.
۱۴. توکلی، غلامحسین؛ رویکرد انتقادی به خاستگاه دین از نگاه فروید؛ تهران: سهروردی، ۱۳۷۸.
۱۵. جعفریان، رسول؛ اطلس شیعه؛ تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (رهبر انقلاب)؛ حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی،



- ۱۳۷۷.
۱۷. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی؛ تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. رایت، رابین؛ «اسلام؛ دموکراسی و غرب»، مجله سیاست خارجی؛ س ۷، ش ۱، ۱۳۷۲.
۲۰. رفیع پور، فرامرز؛ توسعه و تضاد؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
۲۱. سالور، عین‌السلطنه؛ روزنامه خاطرات؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸.
۲۲. شایگان، داریوش؛ آسیا در برابر غرب؛ چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۲۳. صمیمی، مینو؛ پشت پرده تخت طاووس؛ ترجمه حسین ابوترابیان؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸.
۲۴. عنایت، حمید؛ تفکر نوین سیاسی اسلامی؛ تهران: سپهر، ۱۳۶۲.
۲۵. فروید، زیگموند؛ آینده یک پندار؛ ترجمه هاشم رضی؛ تهران: آسیا، ۱۳۵۷.
۲۶. فورد، پیتر؛ «زنان اروپایی و گرایش به اسلام»، ماهنامه سیاحت غرب؛ ش ۳۲، ۱۳۸۴.
۲۷. کاظمی، علی‌اصغر؛ بحران جامعه مدرن؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ



- اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۸. گلشنی، مهدی؛ علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
۲۹. گیدنز، انتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷.
۳۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، [بی‌تا].
۳۲. ملکوتیان، مصطفی؛ «انقلاب اسلامی؛ نظام بین‌الملل و آینده غرب»، فصلنامه علمی- پژوهشی انقلاب اسلامی؛ ش ۲۰، بهار ۱۳۸۹.
۳۳. ملکیان، مصطفی؛ راهی به راهی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت؛ تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
۳۴. نیچه، فردریش ویلهلم؛ حکمت شادان؛ ترجمه جلال آل احمد و دیگران؛ چ ۴، تهران: جامی، ۱۳۸۵.
۳۵. نیچه، فردریش ویلهلم؛ چنین گفت زرتشت؛ ترجمه داریوش آشوری؛ تهران: نشر آگه، ۱۳۸۴.
۳۶. وایت، بریان، ریچارد لیتل و میشل اسمیت؛ «دین در جهان»، ترجمه منیژه جلالی؛ روزنامه همشهری، ۱۳۸۱.
۳۷. هویدا، فریدون؛ سقوط شاه؛ ترجمه ح. الف. مهران؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶.

۳۸. هینس، جف؛ دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم؛ ترجمه داود کیانی؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

۳۹. Psychology Today; Spirituality; Author David N. Elkins; Sep ۱۹۹۹.

۴۰. Spirituality; Author David N. Elkins; Sep ۱۹۹۹. See in: <http://WWW.findarticles.com>.

۴۱. <http://tabnak.ir/pages/cid=۲۵۰۶۵>

۴۲. <http://WWW.ammariyon.ir/fa/news/۳۸۵۲۸>

۴۳. <http://WWW.farsnews.com/newstext.php?nn>

۴۴. <http://farsi.khamenei.ir>

۴۵. Nikki kedie; **Oil**, economic policy and social conflict, race and class; London, frank cass, ۱۹۸۰.

۴۶. Robert s. snyder; "The us and third world revolutionary states understanding the breakdown in relations", **international studies quarterly**; ۴۳, ۱۹۹۹.

۴۷. vali narsee; **The Shia Revival: How Conflicts Within Islam Will Shape the Future**, ۲۱ august ۲۰۰۵.

۴۸. www.hawzah.Net.

۴۹. www.islamineurope.com.

